■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۸ رمضان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۴۹ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Saturday - 2020may 2

حدیث روز: تحف‌العقول

از امام حسن(ع) سؤال شد: بزرگواری چیست؟ فرمود: در غرامت، عطا بخشی و از جرم، چشم‌پوشی.

پلک احساس: بیدل دهلوی

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد
چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

دعای روز هشتم ماه مبارک رمضان

اللهمّ ارْزُقنی فیهِ رحمةِ الأیتامِ وإطعامَ الطعامِ وإفشاءِ السلامِ وصُحبةِ الکِرامِ بطَوْلِکَ یا ملجأَ الآمِلین.

خدایا روزیم کن در آن ترحم بر یتیمان وطعام نمودن بر مردمان وافشاء سلام ومصاحبت کریمان به فضل خودت ای پناه آرزومندان.

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹/۵۲
اذان مغرب: ۲۰/۱۱ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۴
اذان صبح (فردا): ۴/۳۶ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۰

پیش‌بینی آب و هوا یکشنبه

تهران	اصفهان	اردبیل	بیرجند	رشت	همدان	کرمان	کرمانشاه
۲۲ / ۱۲	۲۵ / ۸	۲۱ / ۶	۲۸ / ۱۵	۲۲ / ۱۵	۱۷ / ۴	۲۵ / ۱۱	۱۴ / ۶

امروز در تاریخ:
زادروز جعفر بزرگی، بازیگر و خواننده ایرانی (۱۲۹۶ ش)
سقوط برلین پایتخت آلمان در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م)

خودنویس

آقای علوی خیلی ممنون



حامد عسکری
شاعر و نویسنده

در محدودیت‌ها بیشتر گل می‌کند ابتکار و آفرینش آدمیزاد. این روزهای کرونایی که بعدش شد هفته‌ها و دارد می‌شود ماه‌های کرونایی هم محدودیت‌هایی ایجاد کرد که باعث زایش نوآوری‌هایی شد.



یکی از همین ویدئوها هم ویدئوی آقای علوی است که دو سه روز است به قول مجازیست‌ها وایرال و فراگیرشده و همه از او صحبت می‌کنند. پیرمرد دوربینش را کاشته و از لذت با هم بودن می‌گوید و اینکه بعد از سال‌ها پی به بزرگی و مهربانی همسرش برده و از بودن کنار او حالش خوب است. اولش فکر می‌کنی از این ویدئوهای نصیحتی است که دیگر نخ نما شده و همین جوری دارد از خوبی قرنطینه و احوالاتش می‌گوید که ضربه اول را می‌زند. یک کاغذ دستش گرفته و رو به دوربین نشان می‌دهد: خسته شدم ... نمی‌تونم حرف بزنم ... پدرم درآمده ... روزی دو بار ظرف می‌شورم ... جارو می‌کنم ... کاغذهای آچاری که یکی یکی با این عبارات جلوی دوربین می‌گیرد و همزمان از همسرش و لذت کنار او بودن. کنتراست جالبی خلق می‌کند که همین یکی دو دقیقه که تو را می‌خنداند یعنی آقای علوی کارش را کرده است. من شک ندارم آقای علوی این ویدئوی بامزه را برای شادی من و شما ساخته و خنداندن ما ... و زندگی بسیار شیرینی دارد که اگر اینگونه نبود این هوشمندی رسیدن به این فرم و محتوا نمود پیدا نمی‌کرد. جناب آقای علوی دمتان گرم که دل مردم را شاد کردید و لحظاتی به ذهن ما استراحت دادید.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با سیدعباس سجادی درباره زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر به مناسبت سالروز درگذشت این آهنگساز

«باران عشق» به خانواده شهدا هدیه شده بود



طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

فردا دومین سالگرد درگذشت ناصر چشم‌آذر است. آهنگساز خوش سلیقه‌ای که در زمینه کنسرت، انتشار آلبوم و موسیقی فیلم یکی از بهترین‌ها بود و درگذشت وی در ۶۷ سالگی خیلی زود بود. ناصر چشم‌آذر اگر می‌ماند، حتما باعث اتفاقات زیبا و ماندگاری در موسیقی ایران می‌شد. یکی از جاودان‌ترین آثار او تک آهنگی است به‌نام «باران عشق» که نام زنده‌یاد چشم‌آذر را بر سر زبان‌ها انداخت و باعث شهرت او در میان عموم مردم شد. در دومین سالگرد درگذشت این آهنگساز با عباس سجادی، پژوهشگر و رئیس فرهنگسرای نیاوران که هم‌ولایتی چشم‌آذر هم هست و او را از نزدیک می‌شناخته و با هم رفت‌وآمد داشته‌اند هم‌صحبت شدم تا درباره این آهنگساز برایمان بگوید.

به نظرتان آقای چشم‌آذر چه تاثیری در شاخه‌های مختلف موسیقی ایرانی داشته؛ کنسرت، آلبوم و موسیقی فیلم؟

وقتی می‌خواهیم درباره ناصر چشم‌آذر صحبت کنیم، ابتدا باید به خانواده چشم‌آذر اشاره کنیم. موسیقی در خانواده او جاری و ساری بود و زادگاهش شهری بود که موسیقی فولکلور ایرانی در آنجا ریشه‌ای قوی دارد و ملودی‌های آذری را نمی‌توان از تاریخ ایران جدا کرد. پدر و برادر بزرگش اهل موسیقی بودند و همه این‌ها در ذهن ناصر چشم‌آذر شبکه‌ای را ایجاد کرد که از او یک موزیسین و آهنگساز برجسته ساخت. اولین سازی که در آن تبحر یافت، آکاردئون بود. بعد از آشنایی کامل با موسیقی فولکلور، همه آنچه را باید از موسیقی ایرانی بیاموزید، فرامی‌گیرد و بعد به آمریکا می‌رود و موسیقی «جز» و مدرن را یاد می‌گیرد و در ۱۸ سالگی به طور حرفه‌ای وارد دنیای موسیقی می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب برای دومین بار از آمریکا به ایران برمی‌گردد و ساخت موسیقی برای فیلم را شروع می‌کند. ناصر چشم‌آذر در همه سال‌های حضورش در دنیای موسیقی همزمان با تولید موسیقی در این زمینه آموزش هم می‌دیده، چیزی که در هنرمندان کمتر اتفاق می‌افتد، وقتی یکی، دو، اثر شاخص می‌سازند از دنیای آموزش فاصله می‌گیرند تصور می‌کنند به اوج رسیده‌اند اما ناصر چشم‌آذر همیشه در حال آموختن بود. به همین دلیل هر روز کارهایش کامل‌تر، بروزتر و مدرن‌تر می‌شد. او موسیقی الکترونیک را وارد ایران کرد که از میان آن می‌توان به اثر جاودانه «باران عشق» اشاره کرد.

وقتی آقای چشم‌آذر موسیقی را به شکل حرفه‌ای شروع می‌کند دیگر اثری از آکاردئون در کارهایش نمی‌توان دید در حالی‌که جای این ساز در موسیقی ایرانی خالی است و البته موسیقی جز هم به کارش نمی‌آید شاید به این دلیل که ایرانی‌ها زیاد با این نوع موسیقی ارتباط برقرار نمی‌کنند.



اگر آهنگسازی، موسیقی «جز» را نشناسد یا از ظرفیت‌های ساز آکاردئون بی‌خبر باشد باید به او ایراد گرفت. ناصر چشم‌آذر اما به هر دوی این‌ها مسلط بود و تاثیرش را در لایه‌های زیرین آهنگ‌های او می‌توان دید. آکاردئون یکی از سازهای مورد علاقه چشم‌آذر بود. گاهی به من تلفن می‌کرد و برایم آکاردئون می‌زد و با زبان آذری می‌خواند چون من هم آذری هستم و زبان و نوای آکاردئون را به خوبی می‌شناسم. در دوره‌ای که چشم‌آذر وارد دنیای موسیقی شد شیب موسیقی به سمت تغییر آنقدر تند و سریع بود و چشم‌آذر را آنقدر با خودش همراه کرد که او دیگر فرصت تمرکز روی ساز آکاردئون را پیدا نکرد.

باران عشق یکی از به‌یاد ماندنی‌ترین موسیقی‌های ایرانی است که بیشتر مردم آن را می‌شناسند و حال خوب با آن را تجربه کرده‌اند. جایی آقای چشم‌آذر گفته که این موسیقی را برای شهدا ساخته. از این موضوع خبر دارید؟

بله خودش به من گفت باران عشق را تقدیم کرده به خانواده شهدای جنگ تحمیلی. می‌گفت اندوه اجتماعی در دوران جنگ و سال‌های اولیه بعد از جنگ خیلی عمیق بود و من تلاش کردم موسیقی‌ای بسازم که بازگو کننده این اندوه باشد و قطرات باران اول آهنگ نمادی است برای اشک‌های مادران و پدران کشته‌شدگان و شهدای جنگ. چشم‌آذر در مدینه فاضله ذهنش در زمان ساخت باران عشق حتی پدر و مادر کشته‌شدگان سربازان عراقی را هم دیده است. او بر این باور بود که پشت جنگ و سربازان عراقی، آدمی مثل صدام قرار دارد که جوان‌های عراقی را به جبهه می‌برد و آنها را مقابل جوانان و مردم همسایه خود قرار می‌داد. دو کشوری که سال‌های زیادی با هم دوست و برادر بودند اما تفکر صدام آنها را مقابل هم قرار داده بود. از نگاه چشم‌آذر جنگ ایران و عراق به نوعی برادرکشی بود و باران عشق برای مادران و پدران سربازان کشته شده عراقی هم بود. به نظرم باران عشق یکی از شریف‌ترین موسیقی‌های ایرانی است.

در باران عشق، شادی و غمی توامان وجود دارد که متاثرت می‌کند...

غمی شریف است. به نظرم باران عشق، موسیقی جهانی است که حتی در برخی از ایرلاین‌های معروف جهان هم از آن استفاده می‌شود. هر هنرمندی، از میان آثارش یکی را به عنوان امضا و اثرانگشت خود معرفی می‌کند و آن را بیشتر از بقیه دوست دارد. چنین به نظر می‌رسد که باران عشق برای آقای چشم‌آذر چنین اثری بود و هویت اصلی او همین باران عشق است. همچنان که «نینوا» برای آقای علیزاده چنین هویتی دارد.

مزار آقای ابوالفضل زرویی نصرآباد کنار مزار زنده‌یاد چشم‌آذر! دو آدمی که در ظاهر شاید هیچ شباهتی به هم نداشته باشند هر چند هر دو هنرمند بودند، اما انگار در باطن چیزهایی نادیدنی بوده که آنها را به هم مرتبط می‌کرده.

حتی اگر تصادفی هم باشد، حسن تصادف است. من با هر دو نفر دوست بودم. آقای ناصرچشم‌آذر بر خلاف ظاهرش، آدم شوخ و طنزی بود. آقای زرویی اما برعکس طنازی که به آن معروف بود، در خلوت آدمی جدی بود و شعارش این بود که طنز شوخی نیست! اما به نظرم همسایگی این دو نفر در دنیایی که ما آن را نمی‌بینیم ، زیبا خواهد بود چون در ظاهر نه اما در باطن بسیار شبیه هم بودند. آقای زرویی کارهای آقای چشم‌آذر را بسیار دوست داشت و دیده بودم که باران عشق را در منزل و خلوت خود گوش می‌داد.

مقطع حساس کنونی

نکته تربیتی در خلال سیب‌زمینی



امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

دختربچه‌ای که از طولانی شدن قرنطینه خانگی به تنگ آمده بود و دیگر اعصاب معصاب نداشت نزد پدرش رفت و گفت: پدرجان، من واقعا از طولانی شدن قرنطینه خانگی به تنگ آمده‌ام و واقعا دیگر اعصاب معصاب ندارم. پدر به او گفت: دخترم، می‌دانم که شرایط سخت و دشوار است و تو بیش از دو ماه است از خانه بیرون نرفته‌ای، اما آمار مبتلایان هنوز به میزانی نرسیده که متولیان امور شرایط را به حالت عادی بازگردانند. پس کمی دیگر صبر و تحمل داشته باش. دختربچه گفت: من حوصله‌ام سر رفته است. پدر گفت: برو آلبوم خانوادگی را بیاور تا با هم نگاه کنیم. دختربچه گفت: قبلا چندبار این‌کار را کرده‌ایم. پدر گفت: پس برو با مامانت بازی کن و به مطالعه اخبار مربوط به اوضاع بورس در شبکه‌های اجتماعی مشغول شد. دختربچه به آشپزخانه رفت و به مادرش که در حال پوست کندن سیب‌زمینی بود، گفت: مامان من واقعا از طولانی شدن قرنطینه خانگی به تنگ آمده‌ام و اعصاب معصاب ندارم. مادر به او گفت: دخترم، می‌دانم شرایط سخت و دشوار است و... دختربچه حرف مادرش را قطع کرد و گفت: صبر و تحمل داشته باشم؟ مادر گفت: از کجا فهمیدی؟ در این لحظه دختربچه متوجه وجود چند تار موی سفید در موهای مادرش، که به دلیل تعطیلی آرایشگاه‌ها نتوانسته بود آنها را رنگ کند، شد و از او پرسید: مادر چرا بعضی از موهایت سفید شده است؟ مادر که فرصت را برای بیان یک نکته تربیتی مناسب دید، گفت: هروقت تو یک کار بد می‌کنی و باعث غصه و ناراحتی من می‌شوی، یکی از موهای من سفید می‌شود. دختربچه که واقعا از قرنطینه خانگی به تنگ آمده بود، گفت: الان فهمیدم چرا همه موهای مادربزرگ سفید شده است. مادر که توقع چنین پاسخی را نداشت، فهمید شرایط روحی بچه برای دریافت نکات تربیتی مناسب نیست. در نتیجه سیب‌زمینی‌ها را کنار گذاشت و تا پاسی از بعدازظهر به بازی با دختربچه پرداخت.

مرور و عبور

جام جم؛ ۲۰ سال قبل

فوتبال قاره سبز؛ یادش بخیر



فقط یک فوتبال‌دوست می‌داند برگزار نشدن مسابقات فوتبال چگونه باعث افسردگی و ضدحال است. کرونا چند ماهی است فوتبال را تعطیل کرده و حالا خیلی‌ها در سراسر دنیا دلشان لک زده برای بازی‌های لیگ اروپا و آسیا و .... ۲۰ سال قبل در چنین روزی چنان که در صفحه ورزش روزنامه جام جم نوشته شده: امشب هیجان فوتبال، قاره سبز را می‌لرزاند! ۲۰ سال قبل، والنسیا مقابل بارسلونا به زمین می‌رفت... فوتبال‌دوستان می‌دانند امشب چه شبی بود.

۲۰ سال قبل هنوز شبکه‌های اجتماعی وجود نداشتند و تلویزیون شبکه ورزش نداشت به همین دلیل تحلیل بازی‌های فوتبال روز بعد در روزنامه منتشر می‌شد که خوانندگان پیگیری داشت.

روزنامه‌ای برای فرهنگ و هنر



روزنامه جام جم از همان اول با رویکرد فرهنگی- هنری منتشر شد و تا به امروز همان رویکرد را حفظ کرده و البته به مسائل اجتماعی هم نظری دارد.

اینها باعث شده که روزنامه جام جم کمتر برچسب سیاسی بخورد. از همان روزهای اول انتشار جام جم، انعکاس و بررسی اشعار خوب یکی از محورهای جام جم بود. صفحه ۶ روزنامه آن سال‌ها به شعر اختصاص داشت و شعر و ادبیات یکی از دغدغه‌های روزنامه جام جم بوده و هست.

صفحه ۷ روزنامه در همین روز هم به سیزدهمین نمایشگاه کتاب اختصاص داشت که امسال برگزار نمی‌شود!

پرمخاطب‌ترین صفحه روزنامه



۲۰ سال قبل که روزنامه جام جم برای اولین‌بار منتشر شد، انتشار جدول پخش برنامه‌های تلویزیون و رادیو را برای صفحه آخر در نظر گرفت؛ جدولی که آن سال‌ها مخاطبان زیادی داشت. خیلی‌ها روزنامه را می‌خریدند فقط برای این جدول تا بدانند در هر ساعتی چه برنامه‌ای پخش می‌شود و با برنامه‌ریزی، بتوانند، سریال‌های دوست‌داشتنی‌شان را تماشا کنند. نکته جالب اینجاست که اگر به هر دلیلی تلویزیون حتی برای چند دقیقه‌ای پخش برنامه‌هایش را جابه‌جا می‌کرد یا برنامه‌ای را روی آنتن نمی‌فرستاد، روز بعد زنگ تلفن روزنامه مدام به صدا درمی‌آمد و روزنامه جام جم محلی می‌شد برای عرض شکایت. شاید برای شما تصورش سخت باشد اما آن زمان تماشاچیان تلویزیون بسیار زیاد و بسیار پیگیر بودند؛ خیلی پیگیر.

طنازی داریوش کاردان در جام جم



داریوش کاردان را بیشتر به عنوان بازیگر می‌شناسند اما قدیمی‌ترها می‌دانند که او قبل از این‌که یک بازیگر برای نقش‌های جدی باشد در حوزه طنز فعال بوده و حتی باعث شده که مهران مدیری، بتواند در تلویزیون جای پای خود را محکم کند.

کاردان یکی از طنزنویس‌هایی بوده که در صفحه ۳ روزنامه جام جم ستونی داشته به‌نام «جام کج». در ستون سیزدهم اردیبهشت سال ۷۹ با طنز خاص خود نیشتری به تلویزیون و شبکه‌های آن که روز به روز بیشتر می‌شدند، زده است.



از امروز در اینجا مروری خواهیم داشت بر روزنامه جام جم در ۲۰ سال قبل. اولین شماره این روزنامه دهم اردیبهشت ۷۹ منتشر شد. آن زمان شرایط جامعه از همه جهات با آنچه امروز می‌بینیم فرق داشت. مرور اتفاقاتی که در ۲۰ سال قبل رخ می‌داد و در روزنامه جام جم منتشر می‌شد، این تفاوت را نشان می‌دهد و در برخی از موارد شباهت‌هایی را نیز می‌توان در آن دید.

تیتر و عکس یک روزنامه

در ۱۳ اردیبهشت ۷۹ عکس و تیتر اول روزنامه به سریال «زمان شوریدگی» ساخته محمدعلی نجفی اختصاص داشت. روزنامه جام جم متعلق به صدا و سیماست و از همان اول با رویکرد، معرفی و نقد آثار تلویزیونی پایه‌گذاری شد. روندی که تا به امروز ادامه یافته است. البته این که محمدعلی نجفی برای تلویزیون، سریال می‌ساخت در آن سال‌ها نکته مهمی بود، چراکه نجفی سازنده سریال سربداران بود و در سینما آثار قابل قبولی ساخته بود.

توجه به توصیه‌های رهبری

مرحوم هاشمی شاهرودی آن سال‌ها رئیس قوه قضاییه بود و در جلسه مسؤولان قوه قضاییه به حجت‌الاسلام رئیسی که آن زمان رئیس سازمان بازرسی کل کشور بود، دستور داده بود که پیروی صحبت‌های مقام معظم رهبری درباره بزه‌های سیاسی، اقتصادی، مطبوعاتی و ... جدی‌تر باشند. در صفحه دو روزنامه که صفحه سیاسی روزنامه است، بازتاب‌های کنفرانس برلین باز هم جای خود را داشت؛ کنفرانسی که آن سال از تلویزیون پخش شد و دست‌های پشت‌پرده زیادی را افشا کرد و بازتاب‌های زیادی داشت.